

Akhlāq-i zīstī

i.e., Bioethics Journal

Special Issue on Law and Ethics Innovations, 2022

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

Ethical and Legal Elements Influencing the Formation of Bioethics

Mostafa Amiri^{1*} , Ahmad Rezvani Mofard²

1. Department of Law, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Law, Bo Ali Sina University, Hamadan, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Bioethics is one of the important topics that are discussed and discussed from different ethical, legal and medical aspects. The purpose of this article is to investigate the legal and ethical elements that influence the formation of bioethics. In other words, the aim of the article is to examine this important issue of what legal and moral elements bioethics is composed of.

Methods: The mentioned article is descriptive and analytical and the library method is used.

Ethical Considerations: In all stages of writing the present research, the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: The interaction of ethics and law in regularizing modern medical developments has led to the formation of the concept of bioethics. Advances in genetic science and technology, medical advances on the one hand and the need to pay attention to ethical guidelines and legal orders on the other hand, have led to the development of bioethical principles. Bioethics prevents possible abuses and adverse consequences for human integrity, dignity, dignity and rights and its observance can guarantee that the progress of science and technology serves humanity and does not violate human rights, human dignity and basic freedoms.

Conclusion: The result is that genetic science as a science that causes the change and creation of animal and human phenomena and has important effects on the continuation of human life should be in such a way that it includes both moral and religious concerns and provides reasons for protecting the standards of human rights. It should be considered and evaluated in order to improve the positive aspects of this knowledge and improve human life.

Keywords: Bio-Ethics; Ethics; Law; Human-Centeredness; Human Dignity; Genetic Science

Corresponding Author: Mostafa Amiri; **Email:** mostafaamiri09@gmail.com

Received: July 05, 2022; **Accepted:** September 26, 2022; **Published Online:** February 03, 2024

Please cite this article as:

Amiri M, Rezvani Mofard A. Ethical and Legal Elements Influencing the Formation of Bioethics. Akhlāq-i zīstī, i.e., Bioethics Journal. Special Issue on Law and Ethics Innovations. 2022; e9.



انجمن بین‌المللی اخلاق زیستی اسلامی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت

مجله اخلاق زیستی

ویژه‌نامه نوآوری‌های حقوق و اخلاق، ۱۴۰۱

عناصر اخلاقی و حقوقی تأثیرگذار در شکل‌گیری اخلاق زیستی

مصطفی امیری^{۱*}، احمد رضوانی مفرد^۲

۱. گروه حقوق، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: اخلاق زیستی از موضوعات مهمی است که از جهات مختلف اخلاقی، حقوقی و پزشکی مورد بحث و نظر است. هدف مقاله حاضر بررسی عناصر حقوقی و اخلاقی تأثیرگذار در شکل‌گیری اخلاق زیستی است. به عبارتی هدف مقاله بررسی این موضوع مهم است که اخلاق زیستی از چه عناصر حقوقی و اخلاقی تشکیل شده است.

روش: مقاله مورد اشاره توصیفی - تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: تعامل اخلاق و حقوق در قاعده‌مندساختن پیشرفت‌های پزشکی نوین باعث شکل‌گیری مفهوم اخلاق زیستی شده است. پیشرفت در علم ژنتیک و فناوری پیشرفت‌های پزشکی از یکسو و ضرورت اهتمام به رهنمودهای اخلاقی و اوامر قانونی از سوی دیگر، منجر به توسعه اصول اخلاق زیستی گردیده است. اخلاق زیستی از سوءاستفاده‌های احتمالی و عواقب نامطلوب برای تمامیت، شأن، منزلت و حقوق انسان پیشگیری می‌کند و رعایت آن می‌تواند تضمین نماید که پیشرفت علم و فناوری در خدمت بشریت قرار گیرد و حقوق بشر، منزلت انسان و آزادی‌های اساسی او را نقض نکند.

نتیجه‌گیری: نتیجه اینکه علم ژنتیک به عنوان دانشی که موجب تغییر و خلق پدیده‌های جانوری و انسانی می‌شود و دارای آثار مهمی در ادامه حیات بشر است، بایستی به گونه‌ای که هم دربرگیرنده دغدغه‌های اخلاقی و دینی باشد و هم موجبات حفاظت از موازین حقوق بشری را فراهم آورد، مورد توجه و ارزیابی قرار گیرد تا سبب پیشرفت جنبه‌های مثبت این دانش و بهبود زندگی بشر شود.

واژگان کلیدی: اخلاق زیستی؛ اخلاق؛ حقوق؛ انسان‌محوری؛ منزلت انسانی؛ علم ژنتیک

نویسنده مسئول: مصطفی امیری؛ پست الکترونیک: mostafaamiri09@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۴؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۱۴

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Amiri M, Rezvani Mofard A. Ethical and Legal Elements Influencing the Formation of Bioethics. Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal. Special Issue on Law and Ethics Innovations. 2022; e9.

مقدمه

فناوری‌های زیستی نوین، از جمله شبیه‌سازی و دستکاری ژنتیکی تهدیدی برای انسان است و کارهایی که تا پیش از این در انحصار قدرت مافوق بشری تلقی می‌شده است، اکنون رنگ و بوی دخالت در آفرینش را به خود گرفته است و به وسیله چالش‌ها و پرسش‌هایی فراروی علم اخلاق پیش کشیده است. به عنوان مثال امکان تشخیص سلامت یا نقص ژنتیکی جنین در هفته‌های آغازین بارداری خود یک پیشرفت مورد احترام است، اما احتمال پیامدهای ناخواسته‌ای مانند نابودی جنین‌های معیوب و ناقص‌الخلقه یا جنین‌هایی که دارای ویژگی‌ها و خصوصیات متفاوت با ویژگی‌های مورد انتظار والدین هست را به همراه دارد. پژوهش و تحقیق درباره ژنوم انسانی و مصارف و کاربرد نتایج حاصل از این تحقیق‌ها، از یکسو، امیدهای فراوانی را برای پیشرفت در زمینه بهبود سلامتی افراد و نوع بشر به وجود آورده است، اما از سوی دیگر احتمال سوءاستفاده و به کارگیری این پژوهش‌ها در عرصه‌ها و اعمالی چون دستکاری ژنتیکی در ساختار اولیه ژنتیکی هر انسانی که مغایر با شأن و کرامت انسان محسوب می‌شود، نگرانی‌های عمیقی را نسبت به احتمال نقض حقوق اساسی بشر و کرامت انسان برانگیخته است و از این جهت مخالفت‌های جدی و شدیدی را به دنبال داشته است. در واقع پیدایش امکان دستکاری ژنتیکی در ساختار اولیه نوع انسان و انجام بسیاری از اقدامات نو و بعضاً حیرت‌انگیز در این زمینه، باعث ایجاد چالش‌های مهمی در زمینه اخلاق و حقوق شده است. سازوکارهای مقابله با این چالش‌های منجر به شکل‌گیری اخلاق زیستی گردید. اخلاق زیستی یک رشته تحصیلی است که در ارتباط با اخلاق و فلسفه به برخی از اقدامات مانند، پزشکی، فناوری مهندسی ژنتیک و... می‌پردازد. این حوزه مطالعاتی جدید چالش‌های اخلاقی ناشی از به کارگیری نوآوری‌ها و ابداعات علوم زیستی و پزشکی را در فضایی میان‌رشته‌ای به روش نظام‌مند مورد بررسی قرار می‌دهد. در واقع مفهوم اخلاق زیستی با گستردگی یا محدودیت‌هایی که دارد باعث ایجاد بسیاری از دیدگاه‌ها و نگرش نظریه‌پردازان و

اندیشمندان شده است؛ آن‌ها به بررسی مشکلات اخلاقی خاص مرتبط با قلمرو و موضوعات ویژه‌ای پرداختند و با توجه به برداشت‌هایی که از قلمرو زیست و مسائل اطراف آن به دست آمده بود آن را به سه مفهوم، عام، خاص اخص تقسیم کردند. پژوهش‌های متعددی در زمینه اخلاق زیستی انجام شده است: حسن رهنما، در مقاله‌ای به بررسی اخلاق زیستی و تولید محصولات تراریخته پرداخته است (۱). فروغ سنجریان و حسن رهنما نیز، در مقاله‌ای دیگر، اخلاق زیستی در مهندسی ژنتیک را مورد بررسی قرار داده‌اند (۲). همچنین حسین محمودیان و بیتا پاک‌نیت جهرمی، در مقاله‌ای به بررسی ملاحظات اخلاق زیستی و حقوقی در پژوهش‌های سلول‌های بنیادی جنینی پرداخته‌اند (۳). تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به مقالات انجام‌شده این است که هدف مقاله پیش رو بررسی عناصر اخلاقی و حقوقی تأثیرگذار در شکل‌گیری اخلاق زیستی است. سؤال اساسی این است که عناصر اخلاقی و حقوقی تأثیرگذار در شکل‌گیری اخلاق زیستی کدام‌اند؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا مفهوم اخلاق زیستی و قلمرو آن، سپس شکل‌گیری اخلاق زیستی بررسی شده و در ادامه از عناصر و مؤلفه‌های اخلاق زیستی بحث شده است.

روش

مقاله مورد اشاره توصیفی تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

یافته‌ها

تعامل اخلاق و حقوق در قاعده‌مندساختن پیشرفت‌های پزشکی نوین باعث شکل‌گیری مفهوم اخلاق زیستی شده است. پیشرفت در علم ژنتیک و فناوری‌های پزشکی از یکسو و ضرورت اهتمام به رهنمودهای اخلاقی و اوامر قانونی از سوی دیگر، منجر به توسعه اصول اخلاق زیستی گردیده است. اخلاق زیستی از سوءاستفاده‌های احتمالی و عواقب نامطلوب برای تمامیت، شأن، منزلت و حقوق انسان پیشگیری می‌کند و

رعایت آن می‌تواند تضمین نماید که پیشرفت علم و فناوری در خدمت بشریت قرار گیرد و حقوق بشر، منزلت انسان و آزادی‌های اساسی او را نقض نکند.

بحث

۱. مفهوم اخلاق زیستی و قلمرو آن: اخلاق زیستی به صورت عام مسائل و چالش‌های اخلاقی، اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای که از علوم زیستی نشأت می‌گیرد، پرداخته می‌شود و همچنین به صورت مستقیم یا غیر مستقیم با بقای حیات، انسان، حفظ زیست کره زمین و بهبود کیفیت زندگی وی ارتباط دارند، در نتیجه منجر به مفهومی گسترده از اخلاق زیستی می‌شود که تمامی عرصه‌های زیستی پیرامون انسان و نگرانی‌های اخلاقی مرتبط با آن را دربر می‌گیرد. در کاربرد عام از اخلاق زیستی موارد دیگری مانند اخلاق مربوط به محیط زیست اخلاق رفتار با حیوانات در کنار مباحثی چون اخلاق پزشکی و اخلاق زیستی قرار می‌گیرد. بنابراین بر اساس این مفهوم می‌توان گفت که رشته‌ای خاص به نام اخلاق زیستی وجود ندارد، بلکه رشته‌هایی از چالش و معضلات اخلاقی هستند که از فناوری‌های زیستی پزشکی و تعامل انسان با حیوانات و محیط زیست ناشی می‌شوند.

اخلاق زیستی خاص در دو مفهوم خاص و عام قابل بررسی است. اخلاق زیستی در معنایی عام و موسع، بر اهمیت و افاده محیطی و تکاملی استوار می‌باشد. از این رو گستره‌های انسانی و غیر انسانی و محیط طبیعی را دربر می‌گیرد. در واقع اخلاق زیستی در این مفهوم با ابتدائی بر ارزش‌های اخلاقی بر توجه مضاعف به «معمای بقای بشر»، یعنی بقای مناقشه‌انگیز گونه‌های انسانی و حتی در نگاهی کلان‌تر، بر بقای فرهنگ‌ها در محیطی طبیعی تأکید می‌کند.

در این معنا، اخلاق زیستی دربرگیرنده تمامی مسائل پیرامون حیات انسانی و لوازم آن است. به تعبیری دیگر، سه حوزه انسانی، حیوانی و محیطی را در خود جای می‌دهد، چندان که «به آن دسته از مسائل اخلاقی، اجتماعی و سیاسی اشاره دارد که به طور عام باید منشأ آن را در علوم زیستی جستجو کرد»

(۴). از این نظرگاه، اخلاق زیستی به منزله رشته‌ای تخصصی برگرفته از فلسفه کاربردی تلقی می‌گردد که در پاسخ به مشکلات هنجاری گوناگون، اظهار نظر حرفه‌ای می‌کند (۵)، یعنی «پرسش‌های اخلاقی پیرامون حیات، بهداشت، علم، پزشکی و محیط زیست را شناسایی می‌کند» و تلاش می‌کند که پاسخی برای آن‌ها بیابد. از این رو اخلاق زیستی عام به مشکلات اخلاقی در تمامی حوزه‌های زیست‌محیطی، انسانی و جانوری می‌پردازد و درصدد پاسخ مناسب اخلاقی برای هر یک از آن‌هاست.

اخلاق زیستی خاص قلمرو کمتری نسبت به اخلاق زیستی عام دارد که «مترادف با اخلاق پزشکی انگاشته می‌شود و به طور معمول به همه مشکلات مسائل گوناگون و پیچیده، اخلاقی و حقوقی مرتبط با موضوعات پزشکی اشاره دارد. بر این اساس می‌توان گفت در این حوزه مباحث اخلاقی مرتبط با محیط زیست و اخلاق رفتار با حیوانات خارج از محدوده مفهومی اخلاق زیستی قرار می‌گیرند، اما چالش‌های اخلاقی مربوط به رشد و به کارگیری فناوری‌های نوین زیستی تا جایی که به دانش پزشکی تعلق داشته باشد» (۵)، در این مباحث قرار می‌گیرد. «مفهوم اخلاق زیستی اخص قلمرو این مفهوم کمتر از مفهوم اخلاقی خاص است که به بررسی در خصوص تعدادی از چالش‌های هنجاری پیچیده و معضلات اخلاقی خاص اشاره دارد که از تحولات سریع بشر در فناوری‌های نوین زیستی و دانش زیست‌پزشکی به وجود آمده‌اند. در این حوزه از اخلاق زیستی بررسی نحوه مقابله با پیامدهای و به کارستن این فناوری‌ها در زندگی بشری با اصول و معیارهای اخلاقی مورد توجه قرار گرفته است» (۶).

در این معنا، محور نخستین مطالعه، اخلاق پزشکی و مسائل و معضلات اخلاقی ناشی از آن در عرصه‌های گوناگون اجتماعی است. به واقع «اخلاق زیستی در این مفهوم، گستره‌ای نسبتاً نوین اندیشه‌ای در دنیای پژوهش و تحقیق فلسفی است که عمر آن بیش از چند دهه نیست. این قلمرو، به صورت نظام‌مند، ابعاد اخلاقی نظیر تصور، تصمیم‌ها، رفتار و سیاست‌های اخلاقی - علوم حیاتی و مراقبت بهداشتی بررسی

می‌کند و در این راستا، از تنوع روش‌شناسی‌های اخلاقی در یک پهنه بین‌رشته‌ای بهره می‌برد. در حقیقت اخلاق زیستی به عنوان رشته‌ای تخصصی از رهگذر بهره‌گیری از اصول اخلاقی، مشکلات زیستی پزشکی مؤثر بر حیات» (۷) را مطالعه کرده و با یافتن راه‌حل‌های برون‌رفت از این مشکلات بر دو گستره کلان تمرکز می‌نماید؛ گستره‌ای که بر موضوع‌ها و مشکلات مطروحه در عرصه اخلاق پزشکی عنایت دارد و گستره‌ای که مسائل اخلاقی ناشی از کشفیات زیست‌شناختی جدید و پیشرفته‌ای زیست‌پزشکی مانند مهندسی ژنتیک، شبیه‌سازی انسانی، رحم جایگزین و مواردی از این قبیل را مورد تحقیق قرار می‌دهد.

«بنابراین، اخلاق زیستی در این گستره، مطالعه شاخه‌ای از فلسفه اخلاق است که ارزش‌های اخلاقی در علوم زیست‌پزشکی را مطالعه و مسائل اخلاقی ناشی از تحقیقات بر روی جانداران زنده و کاربردهای آن تحقیقات را مورد مذاقه قرار می‌دهد» (۴)، چندان که به منزله نظامی حاوی اولویت‌های پزشکی و محیطی در راستای بقا و باززیستی قابل قبول، داورهای ارزشی مربوط به رفتار انسانی در قلمروهای زیست‌شناسی و زیست‌فناوری را در بوته بررسی و ملاحظه قرار می‌دهد. از این نظرگاه، اخلاق زیستی به: ۱- حقوق و وظایف بیماران و متخصصین مراقبت‌های بهداشتی؛ ۲- حقوق و وظایف آزمودنی و محققان؛ ۳- صورت‌بندی و نظم آرای رهنمودهای سیاست عمومی برای مراقبت بالینی و تحقیقات زیست‌پزشکی می‌پردازد. وانگهی، در این قلمرو خاص، اخلاق زیستی به بررسی و مطالعه موضوعات اخلاقی در مرحله پس از پیشرفت‌ها و تحول‌های دانش زیست‌پزشکی نیز می‌پردازد. در واقع مطالعه فلسفی مناقشه‌های اخلاقی پس از پیشرفت‌های زیست‌شناسی و پزشکی و در واقع پیشرفت‌های زیست‌فناوری است. «موضوع‌های مطروحه در این وادی اغلب موضوع‌های مرگ و زندگی‌اند و معیارهای اخلاقی و زیست اخلاقی به مثابه ابزارهای بنیادین این قلمرو می‌توانند در چارچوب‌های شخصی، سازمان‌یافته، نهادی یا جهانی نمودار گردند. برای نمونه، در این گستره، اخلاق زیستی در پی پاسخگویی به این پرسش است که چه زمانی می‌توان از فناوری‌های زیستی اخیر

در این حوزه بهره گرفت و در صورت به کارگیری، پیامدها و عواقب مثبت و منفی آن‌ها کدام‌اند. فشرده سخن، اخلاق زیستی در معنای خاص با اینکه تمرکز نخستینش بر اخلاق پزشکی است، اما با دامنه‌ای اندکی بیشتر از آن، به مطالعه و بررسی مسائل و مشکلات اخلاقی در حوزه اخلاق زیستی پزشکی و پیشرفت‌ها و فناوری‌های زیست‌پزشکی و برآیندها و عواقب آن‌ها در ارتباط با بشر و پیرامون آن، اعم از جانداران و محیط طبیعی می‌پردازد و سعی دارد در پرتو آموزه‌های مسلم اخلاقی و با توجه به شرایط موجود، پاسخ‌های مناسب و مقتضی ارائه نماید» (۳). تمرکز پژوهش حاضر، بر این معنای اخلاق زیستی است، با این تفاوت که تنها بر مقوله انسانی آن استوار است.

۲. روند شکل‌گیری اخلاق زیستی: «اگرچه اخلاق زیستی به منزله سپهری برای بررسی و اعمال اصول اخلاقی و حقوقی - قضایی نزدیک چهار دهه پیشین پدیدار گردیده است، با این وجود، رشد و گسترش آن چشم‌گیر و قابل ملاحظه است» (۵). «حدود چهل سال پیش، در اواسط دهه ۱۹۶۰، اخلاق زیستی به عنوان رشته‌ای تخصصی با زمینه کلی فلسفه یا به تعبیری دقیق‌تر، اخلاق کاربردی شناسایی شد، گرچه این دانش واژه همچنان هم با ارجاع به اکولوژی به کار برده می‌شود، اما در گفتمان مرسوم‌تر، به معنای مطالعه موضوع‌های اخلاقی مربوط به علوم زیست‌شناسی و پزشکی استفاده می‌شود. این واقعه و طرز تلقی دقیقاً با افشای سوءاستفاده‌ها در مورد آزمایش‌های صورت‌گرفته بر روی سوژه‌های انسانی در ایالات متحد و خارج از آن ارتباط نزدیکی دارد» (۶). «می‌توان گفت که تحقیقات مربوط به سوژه‌های انسانی می‌تواند موضوع اساسی در وادی اخلاق زیستی در هر دو حوزه بهداشت عمومی و خصوصی باشد. به لحاظ ماهیتی، اخلاق زیستی درگیر نگرانی‌های مربوط به احترام به منزلت انسانی و اجتناب از به کارگیری انسان‌ها به منزله ابزار و نه هدف، یعنی ابزارهای صرف برای آزمایش است. همزمان با این تحولات در باب تحقیقات راجع به سوژه‌های انسانی، در عرصه دانش زیست‌پزشکی و زیست‌فناوری نیز پیشرفت‌های سریعی

با ایجاد چالش‌هایی در مورد راه‌های موجود اندیشیدن درباره موجود انسانی و ماهیت او صورت گرفت. آغاز این پیشرفت‌ها، کشف دی.ان.ای (DNA) به وسیله گروه محققان واتسون و کریک (Watson and Crick)، در دهه ۱۹۵۰ بود. در این زمان بود که معنای بشر و موجود انسانی به شکل قابل ملاحظه‌ای در نگاهی نو مورد توجه قرار گرفت و تعریف «انسانیت» که مقوله‌ای حیاتی و بنیادین در اخلاق زیستی است، به واسطه مقاصد متنوع، اهمیتی از نو یافت. تا اواخر دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، آنچه که انقلاب زیست‌شناسی و علوم حیاتی از رهگذر پیشرفت مولکولی نامیده شده، در حال شکل‌گیری بود» (۷). «صنعت داروسازی با تولید داروهای جلوگیری از بارداری و داروهای مسکن و سایر داروهای با اثر بالا به نحو چشم‌گیری در حال توسعه بود. تلقیح خارج رحمی یا در لوله آزمایش تخمک‌های انسانی حاصل شده و نخستین پیوند قلب انسان اتفاق افتاده بود و پزشکان با تکیه بر فعالیت مغزی به جای فعالیت قلب یا شش به عنوان نشانه استقرار حیات، در حال گسترش تعریفی جدید و بنیادی از مرگ بودند» (۳).

وانگهی، در ارتباط با درمان رفتاری بر پایه فناوری نوین نیز تغییراتی در حال وقوع بود. مهندسی ژنتیک، به ویژه در زمینه تشخیص‌های والدینی کمتر از دو دهه پس از کشف واتسون و کریک در جریان بود. در عین حال، قابلیت موجود برای استفاده فناوری و فنون برای درمان بیماری‌های مزمن، ناباروری و بیماری روانی وارد میدان اندیشه گردید و رشد آگاهی از کاربردهای مداخله در جسم و روان بشر، به شدت ارتقا یافت. در کنار این موارد، پرسش‌هایی در باب آینده بشر، آزادی، منزلت، حق بر خلوت و خودآگاهی بشر در وادی اخلاق زیستی مطرح گردید و مسائل جدی‌ای با تأکید بر سیاست عمومی و منفعت اجتماعی مورد بحث قرار گرفت، به ویژه این مسأله که در گستره مسائل اخلاق زیستی مربوط به اشخاص، منفعت جامعه در چه بوده یا چه باید باشد.

تا این زمان، از عنوان اخلاق زیستی برای این گستره وسیع مطالعه و بررسی یادی نشده بود تا اینکه در سال ۱۹۷۱

زیست‌شناسی به نام وان رنسلر پاتر (Van Rensselaer Potter) این دانش واژه را در راستای تشریح نظریه خود مبنی بر ضرورت وجود اخلاق برای اعمال تعهدات و وظایف بشر نسبت به کل زیست کره و نه فقط انسان‌ها، ارائه داد. هدف وی ایجاد رشته‌ای تخصصی جدید از اخلاق عملی مبتنی بر اصول قابل اعمال در زمینه علم جدید به جای بررسی صرفاً فلسفی یا مذهبی شامل محدوده‌ای اندیشه‌ای می‌شود که پرسش‌های اخلاقی مطروحه در وادی پزشکی، علم زیست‌پزشکی و زیست‌فناوری به منظور تصمیم‌گیری روزانه و نیز سیاست عمومی، حقوق و نهادهای اجتماعی را مورد مذاقه قرار می‌دهد.

با این مفهوم، موضوع اخلاق زیستی به مباحثی با ابعاد اخلاقی و سیاسی ناظر بر مسائل بازتولید مثلی نظیر سقط جنین، تولید مثل کمکی، آزمایش ژنتیکی، تحقیقات جنینی و سلول جسمی، شبیه‌سازی، ژن‌درمانی و ارتقای ژنتیکی گسترش می‌یابد. این مفهوم، موضوع‌های مرگ و مردن نظیر اراده زنده‌ماندن، «دستور عدم احیاء»، خودکشی کمک شده، قتل از روی ترحم، و باروری پزشکی را دربر می‌گیرد. افزون بر این، مفهوم مزبور شامل موضوع‌های عمل بالینی رضایت آگاهانه، داروسازی و ژنتیک، اختصاص و پیوند عضو، داروهای تقویتی و استفاده از اعضای مصنوعی یا حیوانی برای انسان‌ها، در کنار سایر موضوع‌های زیست‌فناوری نظیر هوش و رباط‌های مصنوعی نیز می‌شود.

پارهای از متفکرین، «تعاریفی از اخلاق زیستی پیشنهاد داده‌اند که دربرگیرنده سلسله‌ای کامل از فعالیت‌ها و اقدام‌های انسانی مربوط به جسم، ذهن و روان اشخاص انسانی می‌شود» (۷). برخلاف کاربرد گاه و بی‌گاه این تعاریف مضیق و موسع، اخلاق زیستی عمدتاً اندیشه و فکری است درباره بررسی مشکلات اخلاقی در وادی علوم پزشکی و زیست‌شناسی که در سه گستره بشری، محیطی و غیر بشری (جانداران) صورت می‌گیرد.

۳. نقش عناصر اخلاقی تأثیرگذار در شکل‌گیری اخلاق زیستی: عناصر اخلاقی تأثیرگذار در شکل‌گیری اخلاق زیستی عبارتند از:

۳-۱. **انسان‌محوری:** بارزترین و بنیادی‌ترین ویژگی اخلاق زیستی، انسان‌محوری آن است. در حقیقت بازیگرمحوری اخلاق زیستی انسانی، بشری است که از رهگذر خرد خویش، سناریوی اجتماعی را به نمایش می‌گذارد و گاهی اوقات در این سناریوی پیچیده در اثر پاره‌ای فعل و انفعال‌های خواسته یا ناخواسته، رو به کژروی و بزه‌کاری آورده و برای مدتی کم یا بیش خود را در این منجلاب گرفتار می‌کند و برگ‌های دیگر، اما از جنسی دیگر بر سناریوی مزبور می‌افزاید. در پرتو این ویژگی است که جرائم اخلاق زیستی را می‌توان در زمره «جرائم علیه بشریت» جای داد. در حقیقت اخلاق زیستی به مانند هر اخلاق دیگری، انسان‌محور است، زیرا در میان حیوانات، تنها برای انسان است که سؤال اخلاقی مطرح شده و درصدد پاسخگویی بدان‌هاست.

منزلت به مثابه یکی دیگر از ویژگی‌ها جرم اخلاق زیستی، در زمره ارزش‌های ذاتی بشری است که انسان بدون این خصلت، از پایگاه اخلاقی در فراگرد اجتماعی برخوردار نبوده و در نتیجه، عدم آن، سوءاستفاده‌هایی را برای بشر از سوی بشر به همراه می‌آورد. این مقوله چنان پراهمیت است که بشر را ناگزیر از توجه به خود در هر فعل و انفعالی از سوی خود نموده است، به نحوی که بر «قداست» آن صحنه گذاشته و در صورت عدم لحاظ آن در برخی موارد، مرتکب را درخور «کیفر» و فعل یا ترک فعل ناقض آن را «جرم» می‌پندارد. قداست و ضرورت رعایت این ارزش ذاتی از نظر اخلاقی موجب تولد حق بر منزلت انسانی در وادی حقوق شده و از این رهگذر بر بنیاد ریشه گسترده‌تری وزین آن در بطن اخلاق اجتماعی، دولت را ناگزیر به اتخاذ تدبیر در موارد عدم لحاظ آن از راه جرم‌انگاری نموده است. در وادی اخلاق زیستی، پاره‌ای از جرائم نظیر شبیه‌سازی انسانی و قاچاق اعضای انسانی، به ویژه در سیمای خرید و فروش اعضای انسانی از منظر توجه و تأکید بر منزلت انسانی به منزله عامل نخستین جرم‌انگاری آن است که به این وصف متصف شده‌اند.

«مفهوم فراگیر منزلت، به مفهوم بسیار گسترده‌ای برمی‌گردد که بر ارزش بشریت به عنوان یک کل، از جمله نسل‌های

بعدی تأکید می‌کند. اگر همه موجودات بشری دارای منزلت هستند و باید بدون هیچ استثنایی مورد احترام قرار گیرند، ارزش ذاتی قائل‌شدن برای گروه بزرگ‌تری که به بشریت تعلق دارد نیز به نحو اشتقاقی معقول است. این مفهوم وسیع‌تر منزلت، از یکسو حفظ محیطی پایدار برای نیاکان و دودمان ما و از سوی دیگر، حمایت از منزلت و شرافت گونه‌های بشری را فراهم می‌سازد» (۹). «به نظر پاره‌ای از نویسندگان، تصور بشریت، از جمله نسل‌های آینده، یعنی افرادی که حتی به دنیا نیامده‌اند، بدون کل‌گیری مفهوم «حق» و استحقاق بشر نسبت به آن، بی‌نهایت مشکل است. از این رو بشریت احتمالاً، بیشتر هدف تعهدات نسل حاضر است تا موضوع حق‌ها» (۱۰). «در پرتو این اندیشه، بشر در مورد منزلت خویش دارای وظایفی است: وظیفه بر عدم سازش او در مورد منزلت خود، چندان که نباید منزلت خویش را از رهگذر تصمیم‌ها و اعمال خود به مخاطره اندازد» (۱۱)، وانگهی بر همین مبنا «وظیفه عدم سازش بر منزلت دیگران نیز دارد این دو وظیفه، تکلیف دیگری را برای ما به ارمغان می‌آورند و آن «وظیفه برخورد منزلت‌محور با خود و دیگران» است.

با عنایت حداقلی به این مفهوم، می‌توان دریافت که این دو در عرض و راستای هم هستند. به این معنا که منزلت انسانی، ارزشی قیدناپذیر و ذاتی بشر بوده و به بشریت تعلق دارد؛ بشریتی که شامل انسان‌های گذشته می‌شود. بنابراین مفهوم نخست بر ماهیت منزلت انسانی تمرکز دارد و مفهوم دومین، بر دامنه مفهومی منزلت انسانی.

۳-۲. **احترام به حیاط غیر انسانی:** با این اوصاف، می‌توان گفت که بدان‌سان که اخلاق زیستی، انسان‌محور است، حیات‌محور نیز هست، اما این مقوله به معنای «تساوی» این دو گزاره نیست، بلکه انسان تنها بخشی از اخلاق زیستی حیات‌محور بوده و در کنار وی، محیط زیست و سایر موجودات گیاهی و جانداران غیر انسانی نیز بخشی از آن را تشکیل می‌دهند. از این منظر است که «رنسلا پاتر» از ایجاد اخلاقی برای زیست‌کره سخن می‌راند، به این معنا که تمرکز بر ایجاد اخلاقی ناظر بر احترام به زندگی بوده، نه صرفاً اخلاق ناظر به

احترام به اشخاص (۱۲)، در نتیجه میان اصل احترام به زندگی و احترام به اشخاص که در سطحی کلان رابطه عام و خاص مطلق نمودار می‌گردد، می‌توان سه تعبیر را بیرون کشید: احترام به زندگی در سطح حفظ حقوق و آزادی‌های شخصی، احترام به اشخاص از آغاز زندگی و حمایت از حیات انسانی به خودی خود و سرانجام، حمایت از زندگی در تمامیت آن (۱۲). گزاره دوم به احترام به اشخاص از همان اوان زندگی و حتی از زمان انعقاد نطفه عنایت دارد و گزاره سوم به کل هستی یا زیست‌کره نظر دارد که در کنار انسان‌ها، سایر جانداران گیاهی و غیر انسانی و محیط زیست به اشخاص در نظرگاه طبیعی را دربر می‌گیرد (۱۳). از نظر اخلاقی نادرست است که موجودات انسانی اجزای محیط زیست طبیعی را تباه و آلوده کنند.

۴. نقش موازین حقوقی در شکل‌گیری اخلاق زیستی:
«بدون تردید اخلاق و حقوق و به تبع آن اخلاق و قانون در هیچ زمینه‌ای به اندازه حوزه اخلاق زیستی به هم پیوند نیافته‌اند. در اخلاق زیستی، همواره بین اخلاق و حقوق رابطه‌ای متقابل و دوسویه برقرار است، هرچند که نقش و تأثیر اخلاق بر حقوق نقشی گسترده و پررنگ است، به گونه‌ای که برخی فلسفه جورج ریپر (Georges Ripert) فرانسوی و علامه جعفری حقوق را کاملاً متأثر از اخلاق می‌دانند. آموزه‌های حقوقی اخلاقی در بسیاری از زمینه‌ها، حاصل همکاری مشترک اندیشمندان حوزه حقوق و اخلاق است» (۱۴). موازین حقوقی تأثیرگذار در شکل‌گیری اخلاق زیستی عبارتند از:

۴-۱. نقش موازین حقوق بشری: گرچه حقوق و اخلاق زمینه‌های متفاوتی هستند، اما اعلامیه‌ها و اسناد مربوط به اخلاق زیستی باید مطابق با حقوق بشر الزام‌آور بین‌المللی باشند. مطابق بند ۱۱ گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر و اخلاق زیستی که در مجمع عمومی مورخ ۲۱ نوامبر ۲۰۰۱ ارائه شد، «اخلاق زیستی و حقوق بشر دو رشته‌ای هستند که اغلب به طور جداگانه به آن‌ها پرداخته می‌شود، ولی اهداف مشابهی دارند.»

«مشارکت‌های اخلاق زیستی در ارائه منابع و اطلاعات به نهادهایی که وظیفه تحقق حقوق بشر مربوط به حق به سلامت را دارند، می‌تواند مفید باشد. اعمال هنجارهای حقوق بشر در زمینه‌هایی همچون تحقیق در مورد انسان و مسائل اخلاقی مطروحه در تحقیقات راجع به ژنوم انسانی می‌تواند به صورت بالقوه مفید باشد. چنین ابتکار عملی می‌تواند از طریق همکاری میان کارکنان ملل متحد که دارای تجربه حرفه‌ای در زمینه‌های مربوط هستند و نمایندگان و افراد متخصص جوامع کشورهای مختلف تحقق یابد. تلقی مسائل اخلاق زیستی در زمره حقوق بشر آن را دارای اهمیت می‌سازد، به نحوی که همگان به آن توجه داشته باشند. تفاوت مفهومی اصلی میان حقوق بشر و اخلاق زیستی در این است که مسائل و بحث‌های مربوط به اخلاق زیستی به طور عمده بر تفاوت‌های موجود در نظام‌های ارزشی زیربنایی خود مبتنی هستند؛ حال آنکه حقوق بشر که معیار مشترک مورد پذیرش تمامی ملل است به عنوان معیار حقوقی الزام‌آور برای نوع بشر شناخته شده است» (۹).

یکی از ابعاد ارتباط حقوق و اخلاق زیستی، مداخله حقوق کیفری در اخلاق زیستی است. باور به این رویکرد و پذیرش آن از این جهت اهمیت دارد که بر بنیاد آن می‌توان، در پاره از موارد استثنایی، برای رفع برخی مشکلات بشری در عرصه پزشکی گام‌های مؤثری برداشت، به ویژه در وادی موضع‌های اخلاق زیستی و تأمل در باب جرم‌زدایی از پاره‌ای جرائم اخلاق زیستی نظیر قتل از روی ترحم و سقط جنین، در نتیجه حق بر حیات، لازمه حق بنیادی‌تر حق بر آزادی بشر است که خود بشر با علم بر اجتماعی‌بودن خود، بر اساس این حق، به دولت اجازه می‌دهد که به وجود آمده و اهداف مورد نظر او را تأمین کند، در نتیجه بر مبنای حق بر آزادی خود، مقداری آزادی عمل به دولت در امر مدیریت امور اجتماعی بشر، اعطا می‌کند، لذا این دولت است که وظیفه دارد تا حق بر حیات بشر را تضمین نماید. آنگاه آدمی‌زاد برای حفظ حق حیات و بقای خود به تشکیل حکومت تن در می‌دهد. حکومت حراست و پاسبان جان و مال و خانواده آدمیانی را که در قلمرو معینی با

هم زندگی می‌کنند بر عهده می‌گیرد و برای آنکه بتواند وظیفه خود را انجام دهد سلطه و اختیاری پیدا می‌کند که از آن به حق حاکمیت تعبیر می‌شود. به عبارتی حق بر منزلت که روند جهانی‌شدن را در پیش گرفته است. یکی از بارزترین اصول اخلاق زیستی برشمرده می‌شود که حفظ و تضمین آن به مثابه هدف و تکلیف حقوق کیفری محسوب می‌شود، یعنی از این باب که منزلت انسانی به منزله یکی از اصول اخلاق زیستی است، مورد حمایت حقوق کیفری قرار می‌گیرد، نه اینکه چون مورد حمایت حقوق کیفری قرار می‌گیرد. از اصول اخلاق زیستی برشمرده می‌شود.

از دیگر اسناد بین‌المللی که به کرامت انسانی در روند فناوری زیستی در حوزه انسانی تأکید دارد، اعلامیه جهانی ژنوم انسان و حقوق بشر است. این اعلامیه به عنوان اولین سند بین‌المللی که به صورت اختصاصی به مسأله ژنوم انسان می‌پردازد، در سال ۱۹۹۷ میلادی به وسیله یونسکو صادر شد. «اعلامیه جهانی ژنوم انسان و حقوق بشر مشتمل بر ۲۵ ماده می‌باشد، اگرچه برای دولت‌ها الزام‌آور نمی‌باشد، ولی تلاشی ارزشمند در جهت پیشبرد احترام به برابری و کرامت انسانی است. اعلامیه دربردارنده موارد مهمی در خصوص ژنوم انسان و ارتباط آن با حقوق اساسی و کرامت انسانی است، ماده ۱ اعلامیه حاضر، ژنوم انسانی را مبنای وحدت بنیادین تمامی اعضای خانواده بشری و اساس شناسایی کرامت ذاتی و تنوع آن‌ها محسوب نموده و به مفهوم نمادین، آن را میراث بشریت به شمار آورده است» (۹). ماده ۶ اعلامیه نیز اصل عدم تبعیض بر اساس ویژگی‌های ژنتیکی را مورد تصریح قرار داده و مقرر نموده که هیچ‌کس نباید بر اساس ویژگی‌های ژنتیکی در معرض تبعیض قرار گیرد که هدف یا تأثیر آن نادیده‌گرفتن حقوق بشر، آزادی‌های اساسی و کرامت انسانی است، لذا بر اساس این اعلامیه «حیثیت ذاتی هر فرد باید فارغ از خصوصیات ژنتیکی او مورد احترام بوده و افراد بر اساس خصوصیات ژنتیکی‌شان مورد تبعیض یا دیگر رفتارهای غیر انسانی قرار نگیرند و خصوصیات ژنتیکی منحصر به فرد خودشان مورد احترام باشد» (۱۵). همچنین اگر به فردی در اثر تحقیقات یا مداخله مؤثر در ژنوم وی به طور مستقیم و معین خسارات یا آسیبی

وارد آمده باشد، مطابق ماده ۸ اعلامیه حاضر، بر اساس قوانین بین‌المللی و ملی، چنین فردی باید حق دریافت غرامت عادلانه را داشته باشد. علاوه بر این مطابق ماده ۹ اعلامیه، به منظور حمایت از آزادی‌های اساسی و حقوق بشر، محدودیت‌ها درباره اصل‌هایی رضایت و محرمانه‌بودن فقط باید در قانون برای دلایل پیش‌بینی‌شده بر اساس الزامات حقوق بین‌الملل عمومی و نظام بین‌المللی حقوق بشر صورت پذیرد.

با وجود آنکه اصل آزادی پژوهش و تحقیقات که امری مقبول در نظام حقوق بشری است، مقتضی پژوهش آزادانه درباره ژنوم انسانی نیز می‌باشد، اما پژوهش در این حوزه مستلزم رعایت اصول و موازین خاصی است که در مواد دهم تا دوازدهم اعلامیه به آن پرداخته شده است.

در ارزیابی اجمالی این اعلامیه می‌توان گفت که یونسکو با توجه به شتاب گرفتن پیشرفت‌های علمی که از جمله مهم‌ترین آن‌ها تغییرات ژنتیکی است و احتمال بروز مسائل و چالش‌های انسانی ناشی از آن، توانسته است در قالب یک اعلامیه، اصول کلی را نسبت به همه موارد زیان‌بخش برای حقوق بشر تنظیم نماید. همچنین کمیته بین‌المللی اخلاق زیستی یونسکو، مطابق ماده ۲۴ این اعلامیه ملزم است در رابطه با شناسایی و تعیین روش‌هایی که می‌تواند مغایر با کرامت انسان باشد، نظیر مداخله برای تغییر ژن‌ها، نظر مشورتی بدهد.

در اعلامیه بین‌المللی درباره داده‌های ژنتیک انسانی که به عنوان دومین سند مهم بین‌المللی درباره ژنوم انسانی، در سی و دومین کنفرانس عمومی خود در ۱۶ اکتبر ۲۰۰۳ تصویب شد نیز مشابه اعلامیه جهانی ژنوم انسان و حقوق بشر، بر کرامت انسانی تأکید ویژه‌ای صورت گرفته و در پرتو این دو سند تلاش شده دستاوردهای علمی نوین در زمینه ژنوم انسانی، به گونه‌ای سامان‌دهی شود که مورد سوءاستفاده قرار نگیرد و کرامت انسانی و حقوق و آزادی‌های اساسی افراد حفظ گردد. با این وجود سند حاضر فاقد هرگونه ارزش الزام‌آور بوده و هیچ الزام قانونی برای دولت‌ها ایجاد نمی‌نماید و نمی‌تواند کارایی مؤثری داشته باشد.

مهم‌ترین موازین حقوق بشری تأثیرگذار در شکل‌گیری اخلاق زیستی عبارتند از:

۴-۱-۱. حفظ استقلال و آزادی افراد: «انسان‌ها آزاد به دنیا می‌آیند و مطابق قواعد اجتماع خود باید آزاد زندگی نمایند. حال آنکه از دیدگاه حامیان حقوق بشر، تغییرات ژنتیکی در جنین منجر به خدشه و صدمه به استقلال و آزادی او می‌شود، پس باید به هر صورتی ممنوع اعلام شود. از دیدگاه گروهی که معتقدند ژن‌ها، اعمال افراد را کنترل می‌نمایند و با انتخاب ژن‌های یک فرد می‌توان تعیین کرد که او چه کسی باشد، تغییرات ژنتیکی در جنین و انتخاب ژن‌های اصلاح‌شده و ایده‌آل برای فرد منجر به نقض استقلال وی خواهد شد، چراکه با چنین پیش‌فرضی، گزینش یک گروه از ژن‌ها برای شخص، می‌تواند او را از استقلالی که در صورت داشتن مجموعه ژن‌های دیگر می‌داشت، محروم نماید» (۱۶). «عامل دیگری که احتمال نقض استقلال افراد را پیش می‌آورد، انتظارات والدین مبتنی بر انتخاب ژنوم است. در دستکاری ژنتیکی و مسأله شبیه‌سازی نگرانی این است که چون انتخاب ژن‌ها معنای خاصی برای والدین دارد، زوجها از کودک خود بخواهند یا توقع داشته باشند که زندگی منبع ژن را تقلید و کپی‌برداری نماید، بدین‌ترتیب آن‌ها با راهنمایی کودک برای برآورده‌ساختن انتظارات، او را از توانایی برای انتخاب مسیر زندگی خودش محروم می‌کنند. در نهایت این امر منجر به آن خواهد شد که کودک خود را فاقد آزادی عمل و محدود به آنچه که منبع دی‌ان‌ای او عمل کرده است، تصور نمایند، لذا آنچه که محصول این تصور خواهد بود از میان‌رفتن استقلال و آزادی کودک شبیه‌سازی شده است» (۸).

احترام به اشخاص، رکن بنیادین حقوق کیفری اخلاق زیستی در حکومتی با دامنه مداخله حداقلی است و آزادی عمل فردی به مثابه برآیند بارز و جلوه نخستین احترام به اشخاص ظاهر می‌گردد. از این روست که حقوق کیفری اخلاق زیستی باید بر بنیاد احترام به شهروندان به ایفای رسالت خویش اهتمام ورزد.

اصل احترام به اشخاص که از سوی ایمانوئل کانت (Immanuel Kant) مورد مذاقه قرار گرفته و گسترش یافت، اصل استقلال عمل یا آزادی عمل فردی، حق بر حیات و

منزلت انسانی را در خود جای می‌دهد. اصل احترام به اشخاص دست کم دارای دو باور راسخ است: نخست، اشخاص باید به منزله عاملان مستقل و با اختیار عمل تلقی شوند؛ دوم، این اشخاص با استقلال عمل محدود شده مستحق حمایت‌اند. از این رو اصل احترام به اشخاص به دو الزام (لازمه) اخلاقی مستقل و جداگانه تقسیم می‌شود: لزوم بهره‌مندی آن‌ها از استقلال عمل آگاهانه و عالمانه و ضرورت حمایت از آن‌ها به عنوان عاملان یا سوژه‌هایی که برخوردار از آزادی یا استقلال عمل محدود شده‌اند. این دو گزاره را به ترتیب، می‌توان استقلال عمل و حمایت‌گرایی نامید.

حق بر آزادی بشر، در وادی اخلاق زیستی، اصل احترام به اشخاص را به همراه می‌آورد که به موجب آن، هر اقدامی در مورد بشر که از سوی بشر با ابتنای بر آزادی صورت می‌گیرد، باید مبتنی بر اصل احترام به اشخاص باشد. به این معنی که حق بر آزادی بشر در چارچوب اصل احترام به اشخاص محدود می‌شود. اصل مزبور بر این تأکید دارد که لازمه اعمال حق بر آزادی، رعایت حق بر حیات و منزلت انسانی است. در واقع اصل احترام به اشخاص، گرچه بر استقلال عمل فردی صحه می‌گذارد، اما دامنه آن را محدود به رعایت حق بر حیات شهروندان، یعنی رعایت تمامیت جسمانی و روانی اشخاص و نیز حق بر منزلت انسانی آن‌ها می‌کند.

ارزش آزادی، به مثابه بنیادی‌ترین ارزش انسانی در نظرگاه اخلاق و ضرورت حمایت از آن منجر به ظهور «حق بر آزادی» می‌گردد. بشر در بادی امر با علم بر ارزش این حق، به دنبال حفظ و حمایت از آن، دست به کار می‌شود و با هم‌اندیشی اعضای خود، حکومت را به منزله مدیری برای تأمین و تضمین ماندگاری حق مزبور ایجاد می‌کند. از این رو با این اقدام خویش‌قیدی بر آزادی مطلق خویش وارد می‌سازد و با تحدید دامنه آن، ابزاری برای ماندگاری مابقی آن به وجود می‌آورد. در واقع با اعطای بخشی از آزادی خود به دولت، در راستای ماندگاری آزادی خود گام برمی‌دارد.

با این اوصاف، در باب مداخله‌های پزشکی، اگرچه ارزش آزادی در بادی امر، آزادی عمل مطلق برای آن به ارمغان می‌آورد، اما

ظهور اصل احترام به اشخاص که به مثابه شمشیری دو لبه، هم حق و هم تکلیف را به همراه می‌آورد، ضمن تأیید این مداخله، بر اساس ارزش‌های حیات و منزلت انسانی، دامنه آن را محدود به مواردی می‌کند که این دو ارزش اخیر خدشه‌دار نشوند، در نتیجه دامنه مداخله‌های پزشکی به غیر از مواردی که حق بر حیات و منزلت انسانی را به خطر نینداخته و خدشه‌دار نسازد، آزاد است.

«آزادی عمل، ویژگی اشخاص و نه غیر اشخاص، نظیر کودکان بسیار کوچک، حیوانات و گیاهان است. از این منظر میان انسان و شخص تمایز وجود داشته و رابطه منطقی عام و خاص مطلق حاکم است. فرض بر این است که اشخاص می‌توانند از رهگذر اراده و اختیاری که دارند، راهبر خود باشند، تمایلات، خواسته‌ها و ارزش‌های غالب اجتماعی را تشخیص داده و در راستای شناسایی خود و پیرامون خود، آن‌ها را انعکاس دهند. به معنای دقیق کلمه، آزادی عمل، در بادی امر، خصیصه اشخاص محسوب می‌گردد که به موجب آن، دست به انتخاب می‌زنند، خواسته‌های مطلوب خود را دنبال کرده و به آن‌ها جنبه عملی می‌بخشند» (۱۷).

بر مبنای اصل استقلال عمل، بیمار حق بر رد یا انتخاب درمان خویش دارد. اصل مزبور، حقوق اشخاص را در باب تعیین سرنوشت خویش به رسمیت می‌شناسد و ریشه در احترام جامعه به قابلیت اشخاص در مورد تصمیم‌گیری آگاهانه در باب مسائل شخصی دارد. به واقع این اصل از نظرگاه حق‌های بنیادین بشری، اعمالگر حق بر تعیین سرنوشت اشخاص است. امروزه این اصل به مثابه ارزشی اجتماعی از اهمیت چشم‌گیری در توصیف کیفیت پزشکی و نتایج حاصله از عملکرد پزشکی برخوردار شده و از چنان جایگاهی اجتماعی برخوردار گردیده است که به منزله واکنشی اجتماعی در قبال سنت «پدرسالاری» در مراقبت بهداشتی محسوب می‌گردد.

به موجب این اصل، انسان و بیمار از این اختیار برخوردار است که آنچه را خود برای خویش مناسب و مفید می‌داند، با اراده خود برگزیند و بدان جنبه عملی بخشد. به تعبیری دیگر، هرگونه مفهومی از تصمیم اخلاقی مبین این فرض خواهد بود که سوژه‌های ناطق و خردورز، درگیر تصمیم‌های آگاهانه و

ارادی‌اند. در بهداشت درمان یا مراقبت بهداشت، احترام به استقلال اراده و عمل بیمار، در گفتمانی مشترک، به این معناست که بیمار دارای اهلیت و قابلیت انجام عالمانه و عاقلانه و بدون تأثیرپذیری از عواملی است که عمل ارادی و آزادانه او را مخدوش می‌سازد. این اصل مبنای پایه «رضایت آگاهانه» در قراردادهای میان پزشک و بیمار در خصوص مراقبت بهداشت است. رضایت آگاهانه و رضایت به مردن به مثابه آورده‌های اصل استقلال عمل در زمره یکی از استلزامات بنیادین در اعلامیه نورمبرگ و هلسینکی ارائه گردید.

حیات بشر، از لوازم وجودی حق بر آزادی اوست، در نتیجه از حق بر آزادی می‌توان آزادی حیات هر شخص انسانی را استنباط کرد و این گستره آزادی اخیر بر جسمانی و روانی شخص مزبور گسترانده می‌شود. در این فعل و انفعال، تعامل میان ارزش آزادی از یکسوی و ارزش حیات از سوی دیگر نمودار می‌گردد، به نحوی هر یک بر دیگری به سهم خویش تأثیر می‌گذارد. با این توضیح که حسب مورد، یکی بر دیگری مقدم می‌گردد. بنابراین این برهم‌کنش گویای نسبت دامنه عملکرد هر یک از این دو ارزش است. در واقع ارزش حیات به مثابه یک حق، امری مطلق نبوده و در مواردی بر پایه تفوق آزادی بر حیات، دارنده حق از این اختیار برخوردار است که با آزادی اراده خویش، از حیات خود دست بکشد.

۴-۱-۲. تأمین امنیت فردی و انسانی: امنیت فردی در وادی اخلاق زیستی مبین ارتباط مستقیم امنیت با شهروندان است که شامل امنیت جانی و در واقع تمامیت جسمانی و روانی آن‌ها می‌گردد. امنیت انسانی مربوط به مسائل کلی شهروندان آن جامعه به صورت یک کل است، به نحوی که تمامی گزاره‌ای مطروحه در داخل جامعه در ارتباط با شهروندان را شامل می‌شود. در این نظرگاه، امنیت شخصی داخل در قلمرو انسانی قرار می‌گیرد و رابطه عام و خاص مطلق در روابط چهارگانه منطقی را نمایان می‌سازد. با این بیان که از میان جلوه‌های هفت‌گانه امنیت انسانی که عبارت‌اند از: امنیت اقتصادی، غذایی، بهداشتی، محیط زیستی، شخصی، اجتماعی و سیاسی، حقوق کیفری به نحوی مثبت و

ایجابی هنرنمایی کرده و با اتخاذ ضمانت اجراهای مؤثر و مطلوب، عدول از موازین هر یک از این جلوه‌ها را پاسخ می‌دهد و از این منظر، امنیت مختل شده را بازسازی می‌نماید. تمرکز نخستین حقوق کیفری اخلاق زیستی، تأمین امنیت شخصی، به ویژه امنیت جانی یا به تعبیری دقیق‌تر، امنیت جسمانی و روانی شهروندان است، بدان‌سان که اخلاق زیستی بر محور این بازیگر خلاق اجتماعی موضوعیت می‌یابد، تدبیر اندیشی حکومت و حقوق کیفری صرفاً در راستای فراهم‌سازی شرایطی مناسب و توأم با آرامش برای هنرنمایی این شخص در فرایند اجتماعی است، چندان که بتواند بدون هیچ محدودیت نامشروع جسمانی یا دغدغه و فشار روانی بتواند در جامعه به فعالیت‌های معمول و مشروع خویش ادامه دهد. امنیت فردی ماحصل و برآیند آزادی فردی است. به دیگر تعبیر، آزادی فردی یا شخصی بنیادی‌ترین آزادی به شمار می‌آید و امنیت شخصی نیز لازمه وجودی آن تلقی می‌گردد. چندان که یکی بدون دیگری بی‌معنی خواهد بود. در حقیقت می‌توان گفت که آزادی شخصی، حق بر امنیت شخصی را به همراه می‌آورد و تکلیف بر تأمین این حق را برای دولت به ارمغان.

امنیت فردی در هسته یا مرکز نظام امنیت تعاونی قرار دارد. امنیت فردی هدف غایی این نظام بوده و از این رهگذر باید امنیت بیشتری برای شهروندان فراهم گردد. در واقع در این نظرگاه، حمایت از آزادی‌های بنیادین افراد، هسته‌ای است که سایر اشکال امنیت باید از آن منشعب گردند. از این منظر که حمایت از حق‌های بشری و ترویج آن، شاخصه امنیت فردی تلقی شده، دارای سه جنبه امنیت جانی، مالی و فکری است. از این روست که حقوق کیفری اخلاق زیستی با تأکید بر این جنبه سعی دارد با نظارت و کنترل بر وادی زیست اخلاقی از رهگذر اتخاذ تدابیر مقتضی در امور و فعالیت‌های پزشکی و به ویژه در ارتباط با پیشرفت‌های اخیر فناوری‌های زیستی و پزشکی، از ایراد صدمه‌های جانی، اعم از جسمانی و روانی بر شهروندان حمایت به عمل آورده و با اتخاذ تدابیر کیفری و انضباطی، تمامیت جسمانی و روانی شهروندان را تحت پوشش

چتر حمایتی خود قرار دهد. برخی از نتایج ناشی از پیشرفت‌های اخیر در قلمرو اخلاق زیستی که بر مشکلات اخلاقی پس از این پیشرفت‌ها تأکید دارد، به درستی به مرزهایی اشاره دارد که امنیت روانی و جسمانی شهروندان را تحت تأثیر قرار داده است. برای نمونه، تصور خلق موجودی انسانی همانند یک شخص از رهگذر «فناوری شبیه‌سازی» که ظاهری کاملاً شبیه وی داشته و به مانند وی می‌اندیشد، جدای از مشکلات اخلاقی مطروحه در باب نسل‌ها و مشکلات اجتماعی متعاقب آن، همهمه و دغدغه‌ای در میان شهروندان ایجاد نموده است که به نوعی می‌توان آن را برابر و همسان با سلب امنیت روانی آن‌ها پنداشت. در مواردی این‌چنین است که با تعدی به امنیت روانی و جسمانی شهروندان، حقوق کیفری به مثابه مدیر جامعه تکلیف دارد که امنیت مزبور را تأمین نموده و در این راستا به هر راهکار و تدبیری که مناسب به نظر می‌رسد، توسل جوید. با اینکه جرم‌انگاری پاره‌ای از این نتایج ناشی از پیشرفت‌های پزشکی و علوم زیستی به مثابه اقدام نخستین، نمی‌تواند چندان قابل دفاع باشد، اما به منزله تدبیری مؤثر در مرحله آخر و در حقیقت به عنوان «آخرین حربه» می‌تواند پاسخی مناسب برای مواردی از این دست محسوب شود.

۴-۱-۳. اصل عدم زیانباری: «مهم‌ترین نکته در تغییرات ژنتیکی در نوع انسان این است که ابتدا باید مشخص شود آیا ایجاد تغییراتی که در نظر است، نسبت به ترکیب ژنتیکی سلول صورت پذیرد، جنبه درمانی دارد یا خیر، زیرا در صورتی که این روش، جنبه معالجه و درمان نداشته و فقط برای تغییر برخی صفات یا ویژگی‌های فرد به کار رود، در نهایت عواقب سوء و ناگواری را به دنبال خواهد داشت و حساسیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را بر خواهد انگیخت. به عنوان مثال، معالجه بیماری‌هایی نظیر هموفیلی، با تکنیک‌های ژن‌درمانی و تغییرات ژنتیکی، بسیار سودمند است؛ در عین حال، تغییر صفات و خصوصیات فردی نظیر قد، هوش، استعداد، خلق و خوی و یا انتخاب جنسیت نوزاد قبل از تولد، جای بحث و سؤال دارد. نکته قابل توجه دیگر این است که

ورود ژن به مجموعه ژنی سلول‌های سوماتیک یا غیر جنسی بدن، با ورود آن به سلول‌های جنسی، اثرات متفاوتی بر جا می‌گذارد. در حالت اول، تغییرات حاصله تنها در همان فرد گیرنده ژن باقی می‌ماند؛ در حالت دوم، این تغییرات به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود، در نتیجه انجام هرگونه دست‌کاری ژنتیکی روی سلول‌های جنسی، آثار و عواقب گسترده‌ای را به دنبال خواهد آورد که از نظر قانونی، خلاف شمرده می‌شود. مهم‌ترین دلیل از دیدگاه برخی گروه‌های مذهبی و حتی گروه‌های ضد بیوتکنولوژی، در مورد اعمال تغییرات ژنتیکی و ژن‌درمانی روی سلول‌های جنسی، این است که معتقدند این‌گونه کارها سوءاستفاده‌های زیادی را به دنبال دارد و تلاشی در جهت تولید نسل برتر یا تغییر در خلقت انسان و طبیعت است» (۱۸).

برای زیانباری می‌توان دو جلوه سلبی و ایجابی متصور شد که اخلاق زیستی و حقوق کیفری را به هم مرتبط می‌سازد. از دید جلوه سلبی که در چارچوب «عدم زیانباری» بروز و ظهور می‌کند، به مثابه یک ارزش و اصل اخلاقی در گستره اخلاق زیستی نمایان شده و مورد بحث قرار می‌گیرد. از دید ایجابی که همان «زیانباری» یا «صدمه» تعبیر می‌شود، عاملی برای مداخله حکومت و حقوق کیفری می‌شود تا از رهگذر تأکید اخلاق زیستی بر عدم آسیب یا زیانباری به منزله یکی از اصول بنیادینش، بدان تمرکز مضاعف نموده و با تدبیر اندیشی مناسب از آن حمایت به عمل آورد. بنابراین عدم زیانباری، بدان‌سان که اصل بنیادینی در وادی اخلاق زیستی است و اخلاق زیستی به واسطه اهمیت مضاعفش در حیات بشری، شایسته توجه و حمایت، حقوق کیفری ناگزیر از اتخاذ تدابیر حمایتی برای این اصل است. در نتیجه عدم زیانباری که یک «ارزش اخلاقی» بوده، به واسطه اهمیت بنیادینش، رنگ «الزام حقوقی» به خود گرفته و به شکل «حق بر عدم آسیب» برای هر شهروند پدیدار می‌گردد. این حق به حقوق کیفری این اختیار را می‌دهد که با عذر حمایت از آن، اقدام به جرم‌انگاری کند. هر فردی از آزادی عمل برخوردار است که آزادانه دست به فعالیت بزند، اما این آزادی عمل تا محدوده‌ای است که موجب ایراد آسیب نگردد. اینکه دامنه آسیب تا چه اندازه

است، رهیافت واحدی وجود ندارد، به صورتی که دو رویکرد مخالف در این خصوص وجود دارد. یکی بر عدم ایراد آسیب به دیگران تکیه دارد و دیگری، بر عدم ایراد آسیب به دیگران و خود.

بر مبنای رویکرد نخستین، «این اصل در زمره اصول بنیادینی است که در قلمرو حقوق کیفری تمرکز اولیه بر آن بوده و با توجه به دامنه عام این اصل، هیچ شخصی، به ویژه به اشخاص خاص اعم از پزشکان و پرستاران به یکسو و خویشاوندان و دوستان به دیگرسو، نباید به دیگری، به ویژه شخص بیمار یا آزمودنی می‌شود، آسیب یا صدمه جسمانی وارد آورد، به نحوی که جان استوارت میل (John Stuart Mill) در دیدگاهی کلاسیک به اصل آسیب تصریح می‌دارد، این اصل حکم می‌کند که هر شخص باید حق بر اعمال کنترل خویش بر خویش و بر جسم و روان خویش را داشته باشد و نیز حکم می‌کند که تنها هدفی که برای آن، قدرت می‌تواند به حق بر هر عضوی از یک جامعه متمدن و در واقع بر اراده او اعمال کنترل کند، جلوگیری کردن از آسیب به دیگران است» (۱۹). در حقیقت استوارت میل در مقاله درباره آزادی، تنها معیار را برای جواز مداخله حکومت در آزادی فرد اصل لاضرر می‌داند و استفاده از قوه قهریه را در محدود ساختن رفتار مختارانه فرد در صورتی جایز می‌داند که رفتار و فعل مزبور موجب ورود ضرر به دیگری گردد (۲۰). در حقیقت میل با رویکردی سلبی به آزادی بر این باور است که تنها هدفی که وفق آن می‌توان قدرت را بر تک‌تک افراد جامعه متمدن برخلاف اراده آن‌ها اعمال نمود، جلوگیری از ورود ضرر به دیگری است.

در این نظرگاه، حکومت تنها به بهانه رفع ضرر از دیگران می‌تواند در رفتار یک شخص مداخله نماید. از این رو باید به افراد اجازه داد جدا از مداخله حکومت، تجربه‌های زندگی خاص خودشان را در پیش بگیرند، مادام که در این روند به کسی آسیبی نرسد. با این حال، پرسش این است که گزاره‌ها و مواردی که منجر به ایراد ضرر می‌شود، کدام‌اند؟ معیار ایراد ضرر و عامل مجاز برای مداخله دولت چیست؟ میل، صدمه و ضرر مزبور را صدمه به منافع حیاتی یا اساسی دیگران دانسته و مقصود خود را از منافع حیاتی، خود سالاری و امنیت

می‌نامد (۲۱) و بر ضرورت حفاظت از آن‌ها تأکید می‌کند. در حقیقت از نظر وی، منافع حیاتی زمانی تأمین می‌شوند که افراد از تعرض به خودسالاری یکدیگر و از به خطرانداختن امنیت هم خودداری ورزند.

۴-۲. نقش حقوق کیفری در شکل‌گیری اخلاق زیستی:

اخلاق زیستی، قلمروی نوین در عرصه دانش‌های بین‌رشته‌ای در گیتی انسانی است که از رهگذر دغدغه بشر در ارتباط با پاره‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای «در معرض خطر» و بعضاً «مسأله‌دار» خویش پا به جهان اندیشه‌های انسانی نهاده است تا بتواند با بهره‌گیری از پاره‌ای اصول و در پرتو آرمان‌های غایی بشری، از موجودیت حیات و منزلت بشری حمایت کرده و ماندگاری و دوام آن را تضمین کند (۲۲). «اخلاق زیستی به یک روی به منزله جنبش مدنی برای احقاق حقوق بیماران، زنان و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی نمودار گردید و به دیگر روی به منزله موضوع‌های اخلاقی ناشی از فناوری‌های پیشرفته زیست‌پزشکی و حتی زیست‌محیطی واجد اهمیت فراوان است. این اهمیت تا بدانجاست که باید از رهگذر اهرم‌های وزین قدرت سیاسی مورد حمایت قرار گیرد» (۲۳). به این سبب که حمایت و تضمین هستی این قلمرو ماندگاری و تداوم حیات انسانی را به همراه می‌آورد، حیاتی که شرط لازم و مقدمه آغازین شروع فرایند تحقق حقیقت بشری است. ارزش اخلاق زیستی در این است که می‌تواند چارچوبی عملی برای تصمیم‌گیری اخلاقی از رهگذر بررسی مشکلات علمی و پزشکی موجود در زمینه شمار متنوعی از منابع که شامل فلسفه، دین، تاریخ و حقوق می‌شود، فراهم سازد (۲۴).

ورود در گستره‌های مرتبط با اخلاق زیستی، به ویژه فناوری‌های زیستی و پزشکی و ژنتیکی که به شکل مستقیمی با حیات بشری درگیراند و دغدغه آن‌ها در نهایت، ارتقای وضعیت موجود بشری برای دستیابی به حقیقت موعود اوست، بعضاً مسائل و مشکلاتی را از باب ارزش‌های بنیادین اخلاق زیستی مطرح می‌سازد. پاره‌ای از این مسائل و مشکلات به شدت مغایر ارزش‌های بنیادین اخلاق زیستی بوده و در نتیجه در پاره‌ای از موارد، بنیان‌های اخلاق زیستی را به سمت و

سوی نیستی بدرقه می‌کند (۲۵). از این روی، دولت از رهگذر گستره حقوق ناچار است وارد عمل شده و در این راستا تدابیر مقتضی بیندیشد. برخی از ارزش‌های بنیادین اخلاق زیستی، نظیر اصل احترام به اشخاص انسانی که می‌توان از استقلال عمل فردی، حیات و منزلت انسانی به منزله لوازم آن یاد نمود، عدالت، عدم زیانباری و مواردی از این دست، از چنان اهمیتی راسخ برخوردارند که حقوق در تدبیراندیشی خویش، به گستره جزایی متوسل می‌گردد و با جرم‌انگاری هرگونه نقض این ارزش‌ها در چارچوب مصادیق عملی آن، گام‌های حمایتی از این ارزش‌ها برمی‌دارد. از این روی، حقوق کیفری نماینده حکومت است که در چارچوب آزادی تفویضی بدان وارد گردونه اخلاق زیستی می‌شود و با تأکید بر اصول اخلاق زیستی که رابطه مستقیم با حیات انسانی از یکسو و اهداف عینی و ذهنی این حکومت که سرانجام ماندگاری حیات بشری را در نظر دارد، از سوی دیگر به برجسب وصف جرم به برخی از کنش‌های انسانی در این گستره اهتمام می‌ورزد (۷). اخلاق زیستی در وادی حقوق کیفری، به منزله حوزه‌ای نوین به شمار می‌آید که ضرورت دارد از رهگذر مداخله جزایی از آن حمایت به عمل آورد. به دیگر کلام، جرم اخلاق زیستی و در نگاهی کلان «حقوق کیفری ناظر بر اخلاق زیستی» به مثابه دامنه و حوزه‌ای بدیع در وادی حقوق کیفری خاص، روزنه‌ای نوین در دنیای علوم جنایی تلقی می‌گردد.

نتیجه‌گیری

فناوری زیستی به عنوان دانشی که موجب تغییر و خلق پدیده‌های گیاهی، جانوری و انسانی می‌شود و دارای آثار مهمی در ادامه حیات بشر است، بایستی به گونه‌ای که هم دربرگیرنده دغدغه‌های اخلاقی و دینی باشد و هم موجبات حفاظت از موازین حقوق بشری را فراهم آورد، مورد توجه و ارزیابی قرار گیرد تا سبب پیشرفت جنبه‌های مثبت این دانش و بهبود زندگی بشر شود. در چنین فرآیندهایی اصول حقوق بشری در کنار اصول مهم اخلاقی می‌بایست مد نظر قرار گیرد. اخلاق زیستی که دارای دو قلمرو جانوری و محیطی است به

ارزش‌ها و هنجارهایی می‌پردازد که تمرکز بر اخلاق و زیست دارند. زیست از محیط و بشر به عنوان لوازم آن شکل می‌گیرد و اخلاق از یکسری قواعد و اصول که ضامن ماندگاری حیات بشری و تداوم آن است، تشکیل می‌گردد. مبنای این تکلیف برای دولت، از ارزش حیات و ضرورت احترام به تمامیت جسمانی و روانی بشر نشأت می‌گیرد که خود برآیند و رهاورد حق بر آزادی بشر است. از این رو، بدان‌سان که دولت از هر گذر حق بر آزادی شهروندان متولد می‌گردد، تکلیف بر تضمین حق آزادی شهروندان دارد، در نتیجه این نهاد وظیفه می‌یابد در راستای تضمین آزادی شهروندان، از حق بر حیات و تمامیت جسمانی و روانی شهروندان حمایت به عمل آورد. از یکسو دولت از رهگذر حقوق کیفری، تکلیف بر تضمین حیات شهروندان و تداوم آن را بر عهده دارد و از سوی دیگر، احترام به اشخاص و تمامیت جسمانی و روانی آن‌ها به مثابه اصلی بنیادین از جانب اخلاق زیستی توصیه می‌گردد. توصیه‌ای که جنبه آرمانی برای اخلاق زیستی داشته و حقوق کیفری نیز از این آرمان و بایسته اخلاق زیستی در چارچوب «تضمین حیات شهروندان و تداوم آن» صیانت به عمل می‌آورد.

تضمین حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان بر اساس اخلاق زیستی در چارچوب اصولی نمودار می‌گردد که از آن‌ها به «اصول اخلاق زیستی» یاد می‌گردد این اصول و اهدافی که حقوق کیفری در وادی اخلاق زیستی مورد تعقیب قرار می‌دهد.

اصل آسیب یا به تعبیر دیگر، اصل لاضرر در زمره اصول بارز اخلاق زیستی است که در وادی حقوق کیفری بیش از همه مورد توجه و بحث بوده و یکی از پایه‌های بنیادین مداخله حقوق کیفری است. اصل مزبور این الزام را به همراه می‌آورد که عمداً آسیبی یا جراحته غیر ضروری از رهگذر فعل یا ترک فعل بر بیمار وارد نشود. این اصل که در وادی اخلاق زیستی نمودار می‌گردد، بدان‌سان که اهمیت آن به قدری بوده که به منزله «اصل» شناخته‌شده و در چارچوب «بایسته‌های اخلاق زیستی» رخ می‌نماید، در قلمرو حمایتی حقوق کیفری وارد شده و این قلمرو حقوقی را به اتخاذ تدبیر مقتضی وادار می‌سازد، در حقیقت چهره دیگر این اصل در حوزه حقوق

کیفری در قالب «تکلیف بر عدم آسیب» ظاهر می‌شود و بر عدم ایراد آسیب تأکید دارد. به این معنی که هر شخص انسانی در پرتو ارزش آزادی و بر پایه احترام به اشخاص انسانی از استقلال و آزادی عمل فردی برخوردار است که آزادانه دست به فعالیت بزند، اما این آزادی عمل تا محدوده‌ای است که موجب ایراد آسیب نگردد. اینکه دامنه آسیب تا چه اندازه است، رهیافت واحدی وجود ندارد، به صورتی که دو رویکرد مخالف در این خصوص وجود دارد که هر یک فراخور مطلب مورد مذاقه قرار گرفته است. رویکرد نخست به عدم ایراد آسیب به دیگران تکیه می‌پردازد و دیگری، با دامنه بیشتری غیر از عدم ایراد آسیب به دیگران بر عدم ایراد آسیب به خود نیز صحنه می‌گذارد. عدالت اصول چهارمین اخلاق زیستی است که یکی از اهداف بنیادین حقوق کیفری اخلاق زیستی نیز به شماره می‌آید.

از دیگر عناصر و مؤلفه‌های اخلاق زیستی، برقراری نظم و امنیت است. در حقیقت، مبنای مداخله حقوق در وادی اخلاق زیستی، تضمین حقوق شهروندان است که از رهگذر حمایت از آزادی فردی بشر نمودار می‌گردد؛ حمایت از مقوله‌ای که حق بر حیات انسانی یکی از برآیندهای این حق بوده و دیگری، تضمین ماندگاری منزلت انسانی که وصف ذاتی بشر قلمداد می‌گردد. در این نظرگاه، نظم و امنیت به مثابه دستاویزهای اجتماعی نظام عدالت کیفری برای حمایت از این گستره نوین بشری برشمرده می‌شود. مقصود از نظم عمومی، وضعیتی توأم با آرامش و آسایش نسبی میان شهروندان در تعاملات و مناسبات باهم از یک‌سو و میان شهروندان و هیأت حاکمه از سوی دیگر بوده، چندان که رضایتی نسبی شهروندان را به همراه داشته باشد و امنیت انسانی، اعم از امنیت جسمانی و روانی انسانی، نیز وضعیتی است که شهروندان در پرتو آن احساس امنیت جسمانی و روانی داشته و بدون دغدغه، زندگی خویش را دنبال کنند.

مشارکت نویسندگان

مصطفی امیری: ارائه ایده و موضوع، جمع‌آوری مطالب و تدوین مقاله.

احمد رضوانی مفرد: نظارت بر تألیف مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Rahnama H. Bioethics and Transgenic Crops Production. *Journal of Ethics in Science and Technology*. 2008; 3(1-2): 1-14. [Persian]
2. Rahnama H, Sanjarian F. Bioethics in Genetic Engineering. *Journal of Ethics in Science and Technology*. 2011; 6(3): 73-82. [Persian]
3. Mahmoudian H, Pakniat Jahromi B, Setayeshpour N, Nabeiei P. A Review on Bioethical and Legal Concerns In Stem Cell Researches From Embryo Point Of View. *Journal of Bioethics*. 2015; 5(18): 69-101. [Persian]
4. Mohaghegh Damad SM, Sashadina AA, Abbasi M. An introduction to biological ethics. 1st ed. Tehran: Sina Legal Publications; 2009. p.17. [Persian]
5. Schuklenk U, Lott JP. Bioethics in a Small World. 1st ed. Berlin: Springer Publications; 2005. p.130.
6. Rahbarpour M. The Concept of Bioethics and its Scope. 1st ed. Tehran: Bioethics; 2010. p.21-29. [Persian]
7. Schaller BR. Understanding of Bioethics and the Law: The Promises and Perils of the Brave New World of Biotechnology. 1st ed. Westport: Praeger Publications; 2008. p.8-12.
8. Tremain S. The Biopolitics of Bioethics and Disability. *Journal of Bioethical Inquiry*. 2008; 5(2): 101-106.
9. Das V. Public Good, Ethics and Everyday Life: Beyond the Boundaries of Bioethics. *Daedalus*. 1999; 128(4): 99-133.
10. Andorno R. Human Dignity in the Light of International Law. *Medicina e Morale*. 2005; 54(1): 95-112. [Persian]
11. Zanghi C. Pour la protection des generations future. Boutros Boutros-Ghali. *Amicorum Discipulorumque Liber*. Paix: Developpement Democratie. Bruxelles: Bruylant; 1998. p.1459-1478.
12. Beyleveld D, Brownsword R. Human Dignity, Human Rights and Human Genetics. *Mod Law Rev*. 1998; 61(5): 661-680.
13. Pourmohammadi A. Philosophical foundations of bioethics. 1st ed. Tehran: Sina Legal Publications; 2008. p.137-147. [Persian]
14. Lenoir N. Respect for Life and the Law of the Living. 1st ed. Paris: UNESCO Publishing; 1997. p.191.
15. Tladi D. Civil liability in the Context of the Cartagena Protocol: To be or not to be (Binding)? *International Environmental Agreements. Politics Law and Economics*. 2010; 10(1): 15-27.
16. Behnam S. Bioethics and threats of genetically modified food products (collection of articles). 1st ed. Tehran: Publications of the International Congress of Bioethics; 2014. [Persian]
17. Elsan M. Fundamentals of Prohibition of Imitation. *Journal of Legal Research*. 2007; 5(11): 200-214. [Persian]
18. Gorbani AA. Human Cloning and Criminal Policy. *MLJ*. 2010; 4(13): 161-190. [Persian]
19. Elsan M, Kanani Z. The intersection of ethics-law and reality in simulation (a collection of bioethical articles from a legal-philosophical and scientific point of view). 1st ed. Tehran: Allameh Tabatabayi University Publications; 2018. p.62-67. [Persian]
20. Gary J. Political philosophy of John Stewart. Translated by Dayhimi KH. 1st ed. Tehran: New Design Publications; 2000. p.114. [Persian]
21. Hart H. Moral freedom and income law on the philosophy of criminal and public law. Translated by Rasakh M. 1st ed. Tehran: Plan Publications; 2009. [Persian]
22. Eslami MT, Dabiri A, Alizadeh M. Applied ethics. 1st ed. Tehran: Islamic Culture and Science Research Institute; 2007. p.143. [Persian]
23. Elsan M. Principles of Bioethics. *Journal of Legal Research*. 2007; 10(45): 158-168. [Persian]
24. Saed MJ. Criminal Law and Bioethics. 1st ed. Tehran: Shahr-e Danesh Publications; 2017. [Persian]
25. Schuklenk U, Lott Jason P. Bioethics and (Public) Policy Advice. Edited by Thiele F, Ashcroft RE. *Bioethics in a Small World*. 1st ed. Berlin: Springer Publications; 2005. p.130.